

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۲۰ می ۲۰۲۲



یونس نگاه

برای چه برزمیم؟ الف) برای آزادی برزمیم



چندی قبل ویدیویی از یک مجلس رسمی مسؤولان طالب نشر شد که در آن، مولوی نورالحق، معاون اداره امور آن گروه، پشت تریبون ایستاده بود و از وضعیت «انحرافی» ساکنان کابل سخن می‌گفت. آن مولوی که صورتش پر از موهای جوگندمی است و جایگاه سیاسی‌اش ایجاب می‌کند تا از نیازهای زندگی شهری و معاصر آگاهی نسبی داشته باشد، با ذهنیت بدوی سخت‌گیری‌های گروهش را علیه شهرنشینان افغانستان، به‌خصوص کابلیان، این‌گونه توجیه می‌کند: «هدف برنامه‌های انحرافی [در نظام قبل از طالبان] این بود که زنان را تشویق کنند تا حجاب اسلامی و حجاب افغانی را از تن خود دور کنند. پیش از حاکمیت طالبان، زنان با نیکر و زیرپوش گشت‌وگذار می‌کردند.» سخنانی از این دست، در ماه‌های اخیر از زبان طالبان بسیار شنیده شده است.

واکنش مخالفان طالب به این سخنان گوناگون است. گروهی از فعالان رسانه‌ای، رهبران طالب را به دروغ‌گوئی و اتهام‌زنی متهم می‌کنند. باری مدافعان طالبان عکس‌های زنان افغان را از دوران پیش از حاکمیت مجاهدین نشر کرده خانم‌های موبرهنه و مینی‌ژوب‌پوش را نشان دادند که در محوطه دانشگاه کابل مشغول درس و مباحثه بوده‌اند. بعد گروهی که به‌ظاهر مخالف روایت طالبان‌اند آن عکس‌ها را دروغ و ساختگی گفتند و از «عفت» زنان افغان دفاع کردند.

این برخورد محافظه‌کارانه با روایت طالبانی کارساز نیست. ما باید در جبهه آزادی بایستیم و از نادرستی روش زندگی که طالبان بر مردم افغانستان به نام دین و عفت تحمیل می‌کنند، سخن بگوئیم. باید از حق خود برای زندگی آزاد نگذریم.

چرا که زندگی شهری و مدرن بدون آزادی‌های فردی و اجتماعی ممکن نیست و هرگونه تقابل با آن منجر به عقب‌مانی، بی‌حرکی، ضیاع منابع و هدر رفتن فرصت‌ها می‌شود. باید اذعان کنیم که بلی مردم شهرنشین افغانستان در صد سال گذشته بارها برای گشودن زنجیرهای سنت و رسوم سنگ‌شده از دست‌وپای خود تلاش ورزیدند، به این امید که نیروی بشری کشور فعال شود و زنان و مردان وطن از لحاظ دانش، ذهنیت و ظاهر با ایجابات عصر عیار گردند. زیرا آنان به تجربه دریافته بودند که بدون آزادی نمی‌توان زنجیره فقر را شکست و بدون رشد اقتصادی نمی‌توان امنیت، استقلال و ثبات را در کشور تأمین کرد. آنان دریافته بودند که انسان عصر ما ناگزیر است به آزادی تن دهد، ورنه در هر میدان و رقابتی سرشکسته خواهد شد.

به آن مولوی و حامیان طالب که نمی‌دانند ساختن زیربناها چقدر نیروی کار و سرمایه نیاز دارد، انکشاف معارف چقدر مهم است و چگونه خانواده‌هایی که در آن مرد و زن کار نکنند، گرفتار گرسنگی و سرشکستگی می‌شوند، باید گفت که آزادی انحراف نیست، بلکه استبداد، تحمیل سنت و فرهنگ قرون وسطائی بر ساکنان شهرهای امروزی انحراف است. نپوشیدن نقاب انحراف نیست، زیرا دختران و زنان را اجازه فعالیت و تحرک می‌دهد، بلکه بستن مکتب دخترانه و منع گشت‌وگذار زنان انحراف است، زیرا فرزندان توانا و مستعد وطن را در چار دیواری خانه مسدود کرده و کشور را از نیروی کار و آبادی محروم می‌کند. باید برای آزادی برزمیم.

در کشور ما تنها سنت بنیادگرایی و زن‌ستیزی وجود نداشته، بلکه پل پای و اثر انگشت آزادی‌خواهان نیز در سراسر تاریخ ما آشکار است. ما مجبور نیستیم به سخنان ملامت‌آمیزی اقتداء کنیم که نه خود غم نان داشته و نه استادان‌شان چند صباح برای نان شکم فرزندان‌شان عرق ریخته‌اند. آنانی که از عشر، نکات، فطره، خیرات و مساعدت‌های مذهبی زندگی زلوار داشته‌اند، درکی از نیاز مردم ندارند. باید از مردان و زنانی که همیشه با آبله دست و مهارت خود نان می‌خورند، خانه می‌سازند و فرزند بزرگ می‌کنند پرسید که کدام روش زندگی برای حفظ عفت و آرامش ما مفید است. باید از تحصیل‌کردگان و مبارزانی که مدافع رشد و ترقی کشور بوده‌اند شنید که آزادی چیست و چرا به سود جامعه است. از داکتر عبدالرحمان محمودی، یکی از مشروطه‌خواهان بزرگ کشور، که زندگی‌اش را به کار و تلاش برای زدودن فقر و ترویج آزادی سپری کرد، نوشته‌هایی در تعریف آزادی و اهمیت آن به جا مانده است. او در ۵۲ سال عمر پربارش چنان درخشان زندگی کرد که برای ما به نماد آزادی‌خواهی و مردم‌دوستی بدل شده است. او داکتر طب بود و مطبش بیشتر مواقع محل رجوع مریضانی بود که توانائی پرداخت هزینه‌ی مداوی را نداشتند. محمودی به تجربه آموخته بود که اگر دامن بی‌عدالتی و استبداد از جامعه دور نشود با دعا، مساعدت و طبابت نمی‌توان دردهای وطنداران را مداوا کرد. از این رو، او در مبارزات مشروطه‌خواهی شرکت کرد، از بنیان‌گذاران «ویش زلمیان» بود، نشریه ندای خلق را نشر کرد و از آن طریق برای گشودن درچه‌های آزادی به روی جامعه تلاش ورزید. او به تاریخ ۹ ثور ۱۳۳۰ هجری شمسی در ندای خلق مقاله‌ای برای گشودن معنای آزادی نوشته بود و در آن آزادی را به دو دسته - آزادی قانونی و آزادی وحشیانه - تقسیم کرده بود.

آزادی قانونی

عبدالرحمان محمودی باور داشت که برای زندگی آبرومند، آزادی لازم است. او نوشته است که ما «مجبوریم» طالب حقوق و آزادی خود باشیم و در عین حال به آزادی و «حقوق دیگران نیز تجاوز ننمائیم». تأکید او بر لازم بودن آزادی مهم است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آزادی را لازمی دانسته است. در ماده اول آن اعلامیه آمده است: «تمام انسان‌ها آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آن‌ها ارزانی شده و لازم است تا با

یکدیگر عادلانه و برادرانه رفتار کنند.» محمودی می‌نویسد که برای تحقق آزادی باید حکومت دموکراتیک ایجاد شود تا هرکس بتواند در بیان عقاید و آمال خود و نیز ایجاد تشکیلات و فعالیت سیاسی آزاد باشد و از آن طریق مسؤولیت خود را در جامعه ادا نماید. از نظر او آزادی با مسؤولیت همراه است. در شروع مقاله‌اش نوشته است که آدم آزاد به قوانین پایبند است و حس مسؤولیت اجتماعی را در خود می‌پرورد. محمودی در کنار قوانین دموکراتیک و حامی حقوق مردم، حد دیگری را نیز برای آزادی قایل است: آزادی تا جایی مجاز است که مخل و مانع آزادی دیگران نگردد. مستبدانی چون گروه طالب، آزادی را معادل بی‌بندوباری تبلیغ می‌کنند. اما داکتر عبدالرحمان محمودی باور داشت که بی‌بندوباری یا آنچه او «آزادی وحشیانه» نام گذاشته، ویژه جامعه استبدادی است نه محصول دموکراسی.

آزادی «وحشیانه» یا بی‌بندوباری

در نه ماهی که طالبان به ارگ برگشته‌اند، شاهد وحشت سیستماتیک و بی‌بندوباری آن گروه بوده‌ایم. طالبان خود را فراتر از قانون، دین و عرف می‌دانند. با ارزش‌های جامعه، اداره و قوانین کشور با بی‌بندوباری تمام رفتار می‌کنند. افراد متخصص و کاردان را بدون اعتناء به اعتراض مردم از کار می‌کشند و قومندان‌ها و مبلغان کمسواد و بی‌مهارت خود را در پست‌های سیاسی و مسلکی می‌گمارند. مأموران برحال اداره را مثل قاسم قایم {۱} از دفتر اختطاف کرده با شکنجه می‌کشند. دست نزدیکان خود را به تجاوز، حق‌کشی و رشوه‌ستانی مثل برادر عالم گل حقانی {۲}، رئیس پیشین اداره پاسپورت، که ویدیوی پارتی شبانه‌اش نشر شد، باز می‌گذارند؛ اما مانع تحقق حداقل آزادی‌های مدنی مردم می‌شوند. اعدام‌های صحرائی {۳} را مسکوت می‌گذارند و یا مثل سراج‌الدین حقانی صرفاً به اعتراف سیاسی بسنده کرده می‌گویند که در برخی موارد قاعده عفو زیر پا شده است. این آزادی وحشیانه و بی‌بندوباری است.

داکتر عبدالرحمان محمودی نوشته است که در حکومت استبدادی «آزادی وحشیانه» وجود دارد، زیرا «حاکم آزاد است که حسب میل و اراده خود با مقدرات مردم بازی کرده و بر حقوق آن‌ها بتازد. آزاد ... است که حیات و مامت ... مردم را با حرکت دو لب خود تعیین نماید. آزاد و مختار است که هرکه را بخواهد حبس کرده، کشته، مال و جاهش را به تاراج برده و اطفال صغیر و بی‌گناهش را به دار بزند.»

محمودی، گویی در آن مقاله‌اش از امروز ما سخن گفته است: «در حکومت استبدادی هرچیز با زور و تحکم اجراء شده بر لب‌ها مهر سکوت بوده و جریان امور به نفع چند نفر خدمت می‌کند.» از نظر او استبداد فسادآور است. اخلاق جامعه را آسیب می‌رساند و انسان‌ها را به رفتارهای زشت و مخالف منافع جمعی دچار می‌کند: «خلق هم ظاهراً مطیع و منقاد، اطاعت‌کار و فدائی، متملق و چاپلوس بوده و با مداهنه، ریا، نفاق، دروغ‌بافی، چال و نیرنگ روز خود را گذرانیده و جان و مال خود را صیانت می‌کنند.» به نظر محمودی در جامعه دچار استبداد، حتا انقیاد و اطاعت کورکورانه مانع کشتار و سرکوب مردم نمی‌گردد و از این رو، جامعه دایم شاهد «طوفان‌های شدید» است. پیام دیگر محمودی این است که استبداد با اخلاق، منافع جمعی و فردی انسان‌ها مطابقت ندارد، از این رو، پایدار نیست و ما اگر بخواهیم جامعه دموکراتیک بسازیم باید «خوف و دهشت، ریا و چاپلوسی، چال و نیرنگ، فریب‌کاری، رشوه‌دهی و رشوه‌ستانی و سایر مفسد اخلاقی خود را که همه زاده استبداد است ترک» کنیم.

پاورقی‌ها

(۱) قاسم قایم، افسر تحصیل‌کرده وزارت داخله بود. به نقل از رسانه‌ها، او پس از سقوط دولت در ماه اگست ۲۰۲۱، از ترس انتقام وظیفه‌اش را ترک گفته بود اما به تشویق طالبان و اعلان "عفو" دوباره به وزارت داخله پیوسته بود. بستگان

آقای قایم به روزنامه هشت صبح گفته بود که طالبان آقای قایم را از دفتر کارش اختطاف کرده در جای نامعلوم زیر شکنجه کشته بودند. جسد آقای قایم را روز یکشنبه، ۲۸ حمل ۱۴۰۱ به خانواده‌اش تسلیم داده بودند.

(۲) به‌تاریخ ۲۲ حوت ۱۴۰۰ ویدیویی در رسانه‌ها نشر شد که نشان می‌داد، برادر رئیس اداره پاسپورت طالبان مشغول عیش‌ونوش در یک پارتی خصوصی است. طالبان متهم‌اند که از پاسپورت برای گرفتن رشوت و اعمال فشار استفاده می‌کنند. برخورد آن گروه با افراد غیرطالبی که هنگام شراب‌نوشی و پارتی مختلط گرفتار شوند، بسیار خشن است. بارها تصاویر افراد متهم به "فساد" نشر شده است که در کوچه‌ها و میان مردم به‌حالت بسیار تحقیر آمیز تشهیر می‌شوند. برادر عالم گل حقانی اما مجازات نشد. مدتی بعد از آن خبر افرادی در رسانه‌ها نوشتند که او را در شهر دُبی دیده‌اند.

(۳) اواسط اپریل ۲۰۲۲، روزنامه نیویارک تایمز در یک گزارش تحقیقی افشاء کرد که طالبان در شش ماه اول حاکمیت دوباره خود نزدیک به ۵۰۰ کارمند و افسر نظامی دولت پیشین را کشته و سرب‌نیست کرده اند. مدتی بعد، سراج‌الدین حقانی در یک سخنرانی اذعان کرد که طالبان در مواردی اعلان عفو را نقض کرده‌اند.

بخش‌های دیگر این متن را با عنوان‌های زیر در همین صفحه بخوانید:

برای چه برزمیم؟

(ب) برای استقلال برزمیم

(ج) برای دموکراسی و سکولاریزم برزمیم

(د) برای عدالت برزمیم

نکته پایانی